

ایمان و قدرت

دین و سیاست در خاورمیانه

برنارد لویس

ترجمهٔ جعفر محسنی دره‌بیل



انتشارات آشیان

Lewis, Bernard

Faith and power: religion and politics in the Middle East, 2010

سرشناسه	: لوئیس، برنارد، ۱۹۱۶م - Lewis, Bernard
عنوان و نام پدیدآور	: ایمان و قدرت: دین و سیاست در خاورمیانه / برنارد لوئیس؛ ترجمه جعفر محسنی دره بیدی.
مشخصات نشر	: تهران: آشیان، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	: ۲۷۲ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۳-۴۴-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Faith and power: religion and politics in the Middle East, 2010
موضوع	: اسلام - تاریخ - Islam - History
موضوع	: اسلام و ادیان دیگر - Islam - Relations
موضوع	: شرق و غرب - East and West
موضوع	: خاورمیانه - دین - Middle East - Religion
شابک	: محسن دره بیدی - جعفر ۱۳۶۲ - مترجم
رده بندی کنگ	: ۲۹۷/۹۱۳۹۷ الف ۹/۹۷
رده بندی سربی	: ۲۹۷/۲۷۲۰۹۵۶
شماره کتابشناختی ملی	: ۵۴۶۱۰۸



انتشارات آشیان

ایمان و قدرت (دین و سیاست در خاورمیانه)

برنارد لوئیس

جعفر محسنی دره بیدی

طراحی جلد: محسن سعیدی

چاپ دوم: ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰۰

قیمت: ۴۵۰۰۰۰ ریال

مرکز فروش: خیابان انقلاب، خیابان اردیبهشت، خیابان شهدای ژاندارمری، بن بست مرکزی،

پلاک ۱، تلفن: ۶۶۹۶۵۳۷۷ - ۶۶۹۷۲۷۹۲

Ashian2002@yahoo.com

ISBN: 978-600-7293-44-7

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۳-۴۴-۷

تمامی حقوق این اثر محفوظ می باشد. تکثیر یا تولید مجدد آن به صورت کلی و جزئی و به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و نشر الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع می باشد.

فهرست

- پیشگفتار..... ۹
- ۱- مجوز آدم‌کشی: اعلامیه جهاد اسامه بن لادن..... ۲۱
- ۱-۱- یغار..... ۲۴
- ۲-۱- نغمه‌های مسرک..... ۲۹
- ۲- اروپا و اسلام..... ۳۱
- ۳- دین و سیاست در اسلام و یهودیت..... ۶۵
- ۴- اسلام و دموکراسی لیبرال..... ۸۵
- ۴-۱- یادآوری ضعف..... ۸۶
- ۴-۲- بنیادگرایان و دموکرات‌ها..... ۸۹
- ۴-۳- جامعه خدا..... ۹۵
- ۴-۴- پول و قدرت..... ۹۹
- ۴-۵- دوسوسه..... ۱۰۵
- ۵- آزاد در گذشته؟ جهان عرب در قرن بیست و یکم..... ۱۰۹
- ۵-۱- چالش صلح..... ۱۱۱
- ۵-۲- دویدن برای هیچ..... ۱۱۴
- ۵-۳- ظهور تندروها..... ۱۱۸

- ۴-۵- کشمکش برای آینده..... ۱۲۱
- ۶- جنسیت و برخورد تمدن‌ها..... ۱۲۷
- ۷- دموکراسی و دین در خاورمیانه..... ۱۵۳
- ۸- صلح و آزادی در خاورمیانه..... ۱۷۵
- ۹- دموکراسی، مشروعیت و جانشینی در خاورمیانه..... ۱۸۱
- ۱۰- ربط تا، بخ: رونوشت سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه اروپا، فرانسه .. ۲۰۷
- ۱۱- آزادی و عدالت در اسلام..... ۲۱۳
- ۱۱-۱- آزادی عربی انتقال پذیر است؟..... ۲۱۴
- ۱۱-۲- نوسازی و بودنار و شوروی..... ۲۱۶
- ۱۱-۳- وهابیت و شیعه..... ۲۱۸
- ۱۱-۴- انقلاب ایران و اباعده..... ۲۲۰
- ۱۱-۵- نتیجه گیری..... ۲۲۳
- ۱۲- اروپا و اسلام..... ۲۲۵
- ۱۳- آزادی و عدالت در خاورمیانه جدید..... ۲۵۳
- ۱۳-۱- درک‌های در حال تغییر..... ۲۵۳
- ۱۳-۲- عدالت برای همه..... ۲۵۶
- ۱۳-۳- نظریه در مقابل تاریخ..... ۲۵۹
- ۱۳-۴- سرسره‌ها و نردبان‌ها..... ۲۶۳
- ۱۳-۵- خطرهای بنیادی..... ۲۶۸
- ۱۳-۶- نفس امکان دموکراسی..... ۲۷۱

پیشگفتار

آیه معروفی در عهد جدید به مسیحیان سفارش می‌کند که «مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا» (متی ۲۲: ۲۱). در این سخن، یک اصل در همان آغاز مسیحیت بنیان نهاده شد، که جزء محوری تفکر و رویه مسیحی شد و در سراسر تاریخ مسیحی و عالم مسیحیت^۱ قابل تشخیص است. دو مرجعیت هم‌شده وجود داشته است: خدا، و به طور نمادین، قیصر. آن‌ها به امور مختلف مردم پرداختند، اختیارات گوناگونی داشتند، همچنین قوانین و دادگاه‌های خاص، نهاده و سلسله مراتب خاص خود را داشتند. به طور کلی این دو مرجعیت متفرد در جهان مسیحی به «کلیسا»^۲ و «دولت»^۳ معروف‌اند. در طی تاریخ طولانی و رنگارنگ عالم مسیحیت، این دو مرجعیت همیشه وجود داشته‌اند - نه در پیوسته با هم، گاه در تضاد با هم؛ گاه این یکی مسلط می‌شد، گاه آن یکی - اما در هر حال از هم جدا بودند. آموزه جدایی این دو اکنون در عمل و قانون، در بخش اعظم جهان مسیحی یا پسا مسیحی اگر نگوییم در تمام آن پذیرفته شده است. در اسلام، تا دوره جدید، چنین آموزه‌ای وجود نداشت و همین‌طور

1.christendom

2.church

3.state

بی معنی بود. دوشیء را می توان از هم جدا کرد، ولی یک شیء واحد را به زحمت می توان. برای فرد مسلمان در دوره قدیم مسجد مکانی برای عبادت و پژوهش بود. این واژه یک نهاد به معنای مسیحی آن نبود، زیرا نهاد قابل مقایسه ای با آن تا قبل از ظهور تغییرات جدید تحت تأثیر غرب وجود داشت. در اسلام قدیم، دین و دولت یکی بودند. از هم جدا نبودند یا در واقع قابل تفکیک نبودند، و نمی توان شبکه پیچیده فعالیت های بشری و مراجع عظیم^۱ آن ها را از هم جدا کرد؛ برخی امور به دین اختصاص یافته بود. برخی به سیاست؛ برخی به دولت اختصاص یافته بود و برخی دیگر به یک رجاست^۲. شخصاً دینی. دوگانگی های آشنایی مانند غیر روحانی^۱ و کلیسایی^۲، مقدس^۳ و نامقدس^۴، معنوی^۵ و دنیوی^۶، و نظایر این در زبان عربی قدیم وجود نداشت (چرا تا حد کمی در میان مسیحیان عربی زبان)، زیرا این دوگانگی ها عیسای^۱ در عالم مسیحیت دارد و برای اسلام ناشناخته بود، و تا حدودی در دوران جدید تحت تأثیر خارجی رواج پیدا کرد. در سال های اخیر، این تأثیر خارجی مورد حمله قرار گرفته، بی اعتبار و ضعیف شده، و اندیشه های برخاسته از این تأثیرات که فقط از سوی نخبگان نسبتاً اندک و بیگانه پذیرفته شده، حتی ضعیف تر شده اند. با تضعیف شدن تأثیرات خارجی، شاهد بازگشت گریز ناپذیر به برداشت های قدیمی تر و ریشه دارتر هستیم.

1.lay

2.ecclesiastical

3.sacred

4.profane

5.spiritual

6.temporal

تفاوت‌های سیاسی میان سه دین به هم مرتبط در خاورمیانه، یعنی اسلام، مسیحیت، و یهودیت، به طور آشکار در روایت‌هایی است که شالوده تاریخ مقدس آن‌ها را شکل می‌دهد. حضرت موسی قوم خود را از اسارت و آوارگی نجات داد ولی اجازه نداشت به ارض موعود وارد شود. مسیح به صلیب کشیده شد، و پیروان او قرن‌ها پیش از این که امپراتور روم تغییر دین بدهد و روابط طولانی و پیچیده‌ای را با دولت روم و سپس دولت‌های دیگر برقرار کند یک اقلیت مورد آزار بودند. حضرت محمد، پیامبر و بنیانگذار اسلام، در طول حیات به موفقیت جهانی دست یافت، و رئیس دولت شد؛ دولتی که برودن و غیر بود به امپراتوری تبدیل بشود.

همان‌طور که آیت الله خمینی یادآور می‌شود، حضرت محمد (ص) نه تنها امت بلکه جامعه سیاسی و دولت را نیز بنیان نهاد و او حاکم مطلق آن بود. او همچنین، فرمانده ارتش زمان بود، جنگ و صلح می‌کرد، مالیات‌ها را جمع‌آوری می‌کرد، قانون را اعلام و اعمال می‌کرد، و همه کارهایی را انجام می‌داد که یک حاکم معمولاً انجام می‌دهد.

این مسأله در مجموع گویای این است که انصافاً صدر اسلام، یعنی از دوره زندگی پیامبر (ص)، در حافظه تاریخ مقدس قدیم و کتاب مقدس مسلمانان، دین و دولت باهم یکی بودند. این پرسش دیرینه میان ایمان و قدرت به عنوان مشخصه اسلام در تقابل با دو دین دیگر هم چنان وجود دارد. تفاوت‌های تاریخی دیگری میان این سه دین وجود دارد. مسیحیت با سقوط امپراتوری ظهور کرد. ظهور مسیحیت مقارن با افول روم بود. مسیحی‌ساختارهای خود را برای بقا در آن دوره به وجود آورد. در طول قرن‌هایی که مسیحیت دین مورد آزار ستم‌دیدگان بود، تصور می‌شد که خدا پیروانش را رنج و محنت مبتلا کرده تا ایمانشان را بیازماید و پاک کند. وقتی مسیحیت

در نهایت دین دولتی شد، مسیحیان کوشیدند نهادها و حتی زبان روم را در خدمت نیازهای خودشان قرار دهند و بازسازی کنند. نزد گروه کثیر و قابل توجهی از مسیحیان، روم مرکز عالم مسیحیت بود نه نصاره یا اورشلیم، و زبان لاتین، زبان مقدس آن بود نه آرامی یا عبری. در مقابل، اسلام در بحریه تولد یک امپراتوری ظهور کرد و به اساسی برای یک قلمرو گسترده، پروتق و شکوفا تبدیل شد، زیر سپر ایمان جدید به وجود آمد، و زبان وحی آن عربی بود. وجودی که نزد اگوستین قدیس و متفکران اولیه مسیحی، دولت سرحداتی بود، ولی نزد مسلمانان، دولت یعنی دولت اسلامی ضرورتی است که قانون الهی آن را برای حفاظت و ترویج دین خدا و حفظ و اجرای قانون خدا سر کرده است. در این برداشت از جهان، خدا بیشتر یار و یاور مؤمنان است تا متخاصم آنها؛ خواهان موفقیت آنها در این جهان است و نصرت و توفیق آنها را دهنده تایید الهی است.

در این مورد فرقه‌های اقلیت و مخالف در درون اسلام یک استثنای جزئی است. در میان شیعیان، می‌توان یک برداشت تقریباً مسیحی گونه درباره رنج و مصیبت را مشاهده کرد. این برداشت که پیروزمندی و غرور اسلامی عجین شده، گاه موجب نیروی اجتماعی به شدت بدتمندی شده است.

این برداشت‌ها از تاریخ آغازین اسلام هنوز هم پیامدهای مهمی دارد، به ویژه بر شکل‌گیری و خصلت خود آگاهی مسلمانان تأثیر دارند. شاید مهم‌ترین و ملموس‌ترین این تأثیرات این باشد که نزد اکثر مسلمانان، اسلام قبل از هر چیز بنیان‌هایی هویت، وفاداری، و در نتیجه اقتدار است. در بیشتر بخش‌های جهان مدرن، در زمان‌های مختلف، انسان‌ها برای دستیابی به اهدافی معمولاً خود را به اشکال مختلف - بر اساس کشور،

ملت، نژاد، طبقه، یا زبان و معیارهای دیگر - تعریف می‌کنند. همه این عوامل در برداشت‌هایی که آن‌ها از خودشان در اسلام دارند مؤثراند و این در نوشته‌های تاریخی نیز انعکاس یافته است. گاه این تأثیر بسیار مهم است. البته همه این معیارها ثانویه به حساب می‌آیند. در بخش عمده تاریخ جهان اسلام تعریف اولیه و اساسی، اعم از تعریف اختیاری و اسنادی، کشور، ملت، نژاد و طبقه نیست بلکه دین، و البته نزد مسلمانان دین اسلام است. از نظر اسلام، عامل دین مشخص‌کننده تمایز میان خودی و بیگانه، میان برادر و غریبه و در زمان‌هایی میان دوست و دشمن است. بدون شک عوامل و فادارهای دیگر در میان‌ها و مکان‌های مختلف نقش دارند، ولی برای تأثیرگذاری باید اینها دست کم فرقه‌ای باشند. دو مثال می‌تواند این نکته را به خوبی توضیح بدهد: مثال نخست در مورد گزارش هیأت نظامی اعزامی از سوی سلطان عثمانی به ریز در قرن هفدهم است. یادداشت گزارش می‌دهد که «وقتی رسیدیم پنجم نفر از افسران کافر از ما استقبال و ما را تا شهر بدرقه کردند». منظور از آن گروه پنج نفر از اشراف اتریشی بودند، که گزارش این‌طور نمی‌گوید. مثال دوم دقیقاً به مطلبی در روزنامه‌های استانبول در قرن نوزدهم مربوط می‌شود: «روی پل تصادف شد. یک کافر آسیب دید». هر دو مثال به شکل متفاوت، نشان می‌دهند که چگونه این بیان نهایی هویت دانسته می‌شد.

یک مثال بارز درباره تفاوت برداشت‌های اسلامی درباره ملت و وفاداری با برداشت‌های دین‌های دیگر را می‌توان در مناسبات روابط بین الملل مشاهده کرد. روسای دولت یا وزیران امور خارجه عالم مسیحیت در کنفرانس‌های سران مسیحی گردهم نمی‌آیند، و هیچ گروهی از آن‌ها بر پایه وفاداری فعلی یا قبلی‌شان به این کلیسا یا آن کلیسا تشکیل جلسه نمی‌دهند.